

بسم الله الرحمن الرحيم

مناطق دی اسکلیشن؛ بهانه ی دیگری به منظور انحراف انقلاب سوریه!

(ترجمه)



رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه روز پنجشنبه گفت: «ترکیه در منطقه ی شمالی سوریه منطقه ی ادلب به عنوان بخشی از قرارداد که به میانجی گری روسیه ماه گذشته به امضاء رسیده بود، عساکر اعزام خواهد کرد.» اردوغان در مصاحبه ای با رویترز در حالی که در نیویورک برای گفتگو در مجمع عمومی سالانه ی سازمان ملل اشتراک کرده بود گفت که قرار است با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، در سفرش به انقره در باره منطقه ی "دی اسکلیشن" یا همان منطقه ای که در آن به میانجی گری ترکیه، روسیه و ایران در سوریه آتش بس اعلام شود، بحث خواهد کرد. اردوغان هم چنان اضافه کرد: «تحت این توافق، روس ها مسوولیت امنیت را در خارج از ادلب به دوش داشته و ترکیه امنیت داخلی منطقه ی ادلب را به عهده می گیرد.» (منبع: رویترز: ۲۱/۰۹/۲۰۱۷م)

خلاصه ی این توافقنامه که در آستانه بین سه کشور؛ ترکیه، روسیه و ایران به امضاء رسید، توسط ولید المعلم وزیر امور خارجه سوریه بیان شد که در آن چنین آمده است: «پیروزی کامل در کشور در دسترس است و دمشق امیدوار است که مناطق "دی اسکلیشن" به سوریه کمک کند تا به خصومت ها نقطه پایان داده شود.» هم چنین او در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «آزادی حلب و پالمیرا، لغو محاصره دیرالزور و ریشه کن کردن تروریسم از بسیاری مناطق سوریه ثابت می کند که اکنون پیروزی نزدیک است.» این ها دقیقاً نکات کلیدی مذاکرات آستانه میان سه کشور، ترکیه، روسیه و ایران هستند که می خواهند با معرفی مناطق یاد شده گروه های دیگر را تضعیف کرده از بین ببرند و قدرت را دست رژیم خونخوار سوریه دهند.

واقعیت های اصلی در این مناطق: از زمان آغاز انقلاب سوریه، قدرت استعماری امریکا و متحدان آن، این دو استراتژی را پیش گرفته اند.

۱) طول عمر نظام فعلی رژیم سوریه را با حمایت این رژیم از طرف ایران، گروه ایران در لبنان و کشور روسیه برای مداخله نظامی در سوریه آن را تقویت کند.

۲) امریکا تلاش کرده است تا ابتکارات متعدد انقلاب اسلامی سوریه را از مسیرش منحرف کرده و با فشار آوردن بر گروه های مخالف، از آن ها خواسته که به مذاکرات حاضر شده و حکومت سیکولری را در سوریه که مطابق نقشه ی امریکا به پیش می رود، بپذیرند که بازیکن اصلی امریکا برای تطبیق این نقشه، کشور همسایه ی سوریه، ترکیه است.

حلب: یک سال پیش حلب یکی از جبهه های قوی مقاومت مسلمانان علیه اسد، در نتیجه عملکردهای این سه دولت سقوط کرد. ترکیه سهم خود را با انتقال گروه های تحت نفوذش از حلب به منطقه ی شمالی مرز ترکیه به جنگ با گروه اتحاد دموکراتیک در سوریه، حزب کارگران کردستان و گروه داعش ایفا کرده و از این طریق جبهه حلب را تضعیف نمود. سپس روس ها با بمبارمان بی رحمانه ی حلب، سهم خود را در این مناطق نیز بجا آوردند. ایرانیان در داخل این شهر هم گام با نیروهای رژیم سوریه برای نابودی بقایای غیرنظامی مخالفین دولت جنگیدند.

بنابراین، سقوط پلان شده ی حلب با کمک این سه دولت اجرا شد و حلب به راحتی به دست رژیم سوریه افتاد که این کار موجب انتقال هزاران تن از حلب تحت محاصره به ادلب و مناطق همجوار دیگر شد. استیفن دیمستورا فرستاده سازمان ملل برای سوریه در آن وقت تأکید کرد که اگر مخالفین در آن جا با دولت سوریه به توافق سیاسی نرسند، ادلب، حلب بعدی خواهد بود.

ادلب: همین توطیه ها در ۶ سال گذشته بودند که قدرت از یک سو به سوی دیگر منتقل شد؛ در حالی که در ابتدا تقریباً ۸۰ درصد از خاک سوریه در دست مخالفان بود که امروزه به منطقه ی ادلب و محیط اطرافش محدود شده است. یکی از آخرین جبهه ها در این اواخر برای مبارزان مسلمان در سوریه، ادلب و محیط اطراف آن است که سقوط آن به معنی یک ضربه ی بزرگ به انقلاب سوریه به شمار می رود. جای تعجب نیست که بزرگ ترین مناطقی که برای نقشه ی "دی اسکلیشن" مد نظر گرفته شده است، در اطراف ادلب و محیط اطراف آن قرار دارند، چرا که ادلب هدف بعدی رژیم سوریه و کشورهای ایران، ترکیه و روسیه است.

مناطق دی اسکلیشن: اول تر از همه باید دانسته شود که "دی اسکلیشن" به کدام منطقه گفته می شود و چرا روسیه، ایران و ترکیه موافقت کردند که از این اصطلاح استفاده کنند؟ در گذشته اصطلاحاتی؛ مانند؛ مناطق امن برای کاهش مهاجرت های جمعی با ایجاد مناطقی که مردم می توانند در آن امنیت داشته باشند و مجبور به مهاجرت نشوند، پیشنهاد شده بود. با این حال، این امر در سوریه هرگز تطبیق نشد، چرا که آن ها را به هدف شان نمی رساند. در عوض مناطق "دی اسکلیشن" پیشنهاد شده است؛ زیرا بیشتر به هدف امریکا همخوانی دارد. لذا منظور از "دی اسکلیشن" همان منطقه ای است که در آن توافق بین ترکیه، روسیه و ایران به منظور

برقراری امنیت در سوریه صورت گرفته است تا امریکا و متحدانش بتوانند به اهداف خود برسند. همان طوری که از ابتدا روشن است، امریکا و متحدان آن (روسیه، ترکیه و ایران) نگران امنیت مسلمانان در سوریه نیستند، تنها هدف آن ها متوقف کردن قیام اسلامی مردم سوریه و حفظ نظام سوریه با بودن و یا نبودن اسد است.

اعلامیه ها از جانب این سه کشور تأکید دارند که پایان دادن به خصومت ها در این مناطق به همه معضلات نقطه پایان خواهد گذاشت. هم چنان تأکید بر این دارند: گروه هایی که شامل این توافق نامه نشوند، در مقابل شان در داخل و خارج این مناطق جنگ خواهد شد که خود مصداق حرف اول ما بوده و تمام تلاش آن ها همانا سقوط انقلاب سوریه و حفظ رژیم سوریه است. مهم تر از همه این است که مناطق یاد شده توسط سه کشور میانجیگر: روسیه، ترکیه و ایران با نفوذ سیاسی و حضور نظامی آن در این مناطق اداره خواهند شد و این کشورها در آن جاها، ساحات امنیتی، نقاط نظارت و نقاط بازرسی امنیتی در امتداد مرزهای این چهار ناحیه خواهند داشت.

به عنوان مثال: ترکیه نقش مستقیم تری در تأثیرگذاری در ولایت ادلب در کنار مرز ترکیه و مناطق شمال شرقی ولایت لاتاکیا، مناطق غربی ولایت حلب و مناطق شمالی ولایت حما را به دست خواهند آورد. این منطقه بزرگ ترین منطقه در بین چهار منطقه "دی اسکلیشن" است. یکی دیگر از مناطق دی اسکلیشن در شرق دمشق و بین حمص و حما است. سایر نقاط دی اسکلیشن در مناطق مرکزی و جنوبی در امتداد مرز لبنان واقع شده است، جایی که ایران می تواند از گروه خود در لبنان برای تقویت نفوذ خود در این منطقه و در مناطق جنوب غربی "دارا" و "قونیترا" که در نزدیکی ارتفاع های گلان که تحت کنترل دولت یهود است و در مرز اردن قرار دارد، استفاده کند.

این سیاست انزوا گرایانه تضمین می کند که نیروهای اپوزیسیون جنگی به دام افتاده و قادر به دریافت هیچ گونه کمک از خارج نباشند. هم چنین این به این معنی است که به دوام زنده گی آن ها توقع چندانی نیست. بر خلاف رژیم سوریه که آزادانه می تواند همراه با روسیه، ایران و حزب ایران در لبنان شراکت های متفاوت داشته باشند و نیروهای متحد علیه این اپوزیسیون را نسبتاً کوچک بسازند. بنابر این هدف از استراتژی مناطق دی اسکلیشن جدا کردن گروه های مختلف جنگی از یک دیگر، بدون امکان متحد شدن دوباره است تا بتوانند قدرت آن ها را از بین برده و آن ها را مجبور به قبول برنامه امریکا برای یک دولت سیکولر سوری و یا از بین رفتن همیشگی نمایند.

این مسئله مهمی است که باید جهان اسلام را به لرزه در آورد. به ویژه نقشی را که ترکیه در این جا بازی می کند. این کشور مسلمانان را با هزار و یک استدلال و توجیه شوم فریب می دهد و ادعا دارد که پشتیبان اپوزیسیون مسلمان در سوریه است و تنها با گروه داعش و گروه های؛ مانند: حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و حزب کارگران کردستان می جنگد؛ اما حالا چگونه می تواند امت مسلمه را فریب دهد؟ هیچ یک از این گروه ها در این نواحی دی اسکلیشن قرار ندارند؛ پس آن جا ترکیه با کی می جنگد؟ مرتبط به این واقعیت از ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود:

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ سِنَوَاتٌ خَدَاعَاتٌ يَصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُكَذِّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُؤْتَمَنُ فِيهَا الْخَائِنُ وَيُخَوَّنُ فِيهَا الْأَمِينُ وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّؤْيُبِضَةُ» قِيلَ: وَمَا الرُّؤْيُبِضَةُ؟ قَالَ: «الرَّجُلُ التَّافَهُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ»

(سنن ابن ماجه / ٤٠٣٦)

ترجمه: سال های خیانت بالای مردم خواهد آمد که در آن راست گویان رد می شوند و دروغ گویان باور می شوند، به فریب کاران اعتماد می شود و امانت داران نه و اشخاص رو بیضه سخنرانی خواهند کرد. از وی پرسیدند که رو بیضه ها کی ها هستند؟ گفت: اشخاص کم ذاتی که بالای مردم حکم می رانند.

نویسنده: اوکی پالا

نماینده رسانه ای حزب التحریر-هالنند

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

٦ محرم ١٤٣٩ هـ.ق

٢٦ سپتمبر ٢٠١٧ م